

## کتاب غزل غزلهای سلیمان

۱ غزل غزلها که از آن سلیمان است.

### محبوبه

۲ او مرا به بوسه های دهان خود بیوسد زیرا که محبت تو از شراب نیکوتر است. ۳ عطرهاى توبوى خوش دارد و اسم تو مثل عطر ریخته شده می باشد. بنابراین دوشیزگان، تو را دوست می دارند. ۴ مرا بکش تا در عقب تو بدویم. پادشاه مرا به حمله های خود آورد. از تو وجد و شادی خواهیم کرد. محبت تو را از شراب زیاده ذکر خواهیم نمود. تو را از روی خلوص دوست می دارند. ۵ ای دختران اورشلیم، من سیه فام اما جمیل هستم، مثل خیمه های قیدار و مانند پرده های سلیمان. ۶ بر من نگاه نکنید چونکه سیه فام هستم، زیرا که آفتاب مرا سوخته است. پسران مادرم بر من خشم نموده، مرا ناطور تا کستانها ساختند، اما تا کستان خود را دیده بانی نمودم. ۷ ای حبیب جان من، مرا خبر ده که کجایم چرانی و در وقت ظهر گله را کجا می خوابانی؟ زیرا چرا نزد گله های رفیقانت مثل آواره گردم.

### محبوب

۸ ای جمیل تر از زنان، اگر نمی دانی، در اثر گله ها بیرون رو و بزغاله هایت را نزد مسکن های شبانان بچران. ۹ ای محبوبه من، تو را به اسبی که در ارابه فرعون باشد تشبیه داده ام. ۱۰ رخسار هایت به جواهرها و گردنت به گردن بندها چه بسیار جمیل است.

### محبوبه

۱۱ زنجیرهای طلا با جبه های نقره برای تو خواهیم ساخت. ۱۲ چون پادشاه بر سفره خود می نشیند، سنبل من بوی خود را می دهد. ۱۳ محبوب من، مرا مثل طبله مر است که در میان پستانهای من می خوابد.

محبوب

۱۴ محبوب من، برایم مثل خوشه بان درباغهای عین جدی می باشد. ۱۵ اینک تو زیبا هستی ای محبوبه من، اینک تو زیبا هستی و چشمانت مثل چشمان کبوتر است.

محبوبه

۱۶ اینک تو زیبا و شیرین هستی ای محبوب من و تخت ما هم سبز است.

محبوب

۱۷ تیرهای خانه ما از سرو آزاد است و سقف ما از چوب صنوبر.

## ۲

محبوبه

۱ من نرگس شارون و سوسن وادیها هستم.

محبوب

۲ چنانکه سوسن در میان خارها همچنان محبوبه من در میان دختران است.

محبوبه

۳ چنانکه سیب در میان درختان جنگل همچنان محبوب من در میان پسران است. در سایه وی به شادمانی نشستم و میوه اش برای کامم شیرین بود. ۴ مرا به میخانه آورد و علم وی بالای سر من محبت بود. ۵ مرا به قرصهای کشمش تقویت دهید و مرا به سیبها تازه سازید، زیرا که من از عشق بیمار هستم. ۶ دست چپش در زیر سر من است و دست راستش مرا در آغوش می کشد. ۷ ای دختران اورشلیم، شما را به غزالها و آهوهای صحرا قسم می دهم که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار نکنید

و برنینگیزانید. ۸ آواز محبوب من است، اینک بر کوهها جستان و بر تلهها خیزان می‌آید. ۹ محبوب من مانند غزال یا بچه آهو است. اینک او در عقب دیوار ما ایستاده، از پنجره‌ها می‌نگرد و از شبکه‌ها خویشتن را نمایان می‌سازد. ۱۰ محبوب من مرا خطاب کرده، گفت: «ای محبوبه من وای زیبایی من بر خیز و بیا. ۱۱ زیرا اینک زمستان گذشته و باران تمام شده و رفته است. ۱۲ گلها بر زمین ظاهر شده و زمان الحان رسیده و آواز فاخته در ولایت ما شنیده می‌شود. ۱۳ درخت انجیر میوه خود را می‌رساند و موها گل آورده، رایحه خوش می‌دهد. ای محبوبه من وای زیبایی من، بر خیز و بیا.»

### محبوب

۱۴ ای کبوتر من که در شکافهای صخره و درستر سنگهای خارا هستی، چهره خود را به من بنما و آوازت را به من بشنوان زیرا که آواز تو لذیذ و چهره ات خوشنما است. ۱۵ شغالها، شغالهای کوچک را که تاکستانها را خراب می‌کنند برای ما بگیرد، زیرا که تاکستانهای ما گل آورده است.

### محبوبه

۱۶ محبوبم از آن من است و من از آن وی هستم. در میان سوسنها می‌چراند. ۱۷ ای محبوب من، برگرد و تا نسیم روز بوزد و سایه‌ها بگریزد، (مانند) غزال یا بچه آهو بر کوههای با تر باش.

### ۳

۱ شبانگاه در بستر خود او را که جانم دوست می‌دارد طلبیدم. او را جستجو کردم اما نیافتم. ۲ گفتم الان برخاسته، در کوچه‌ها و شوارع شهر گشته، او را که جانم دوست می‌دارد خواهم طلبید. او را جستجو کردم اما نیافتم. ۳ کشیک‌چینی که در شهر گردش می‌کنند مرا یافتند. گفتم که «آیا محبوب جان مرا دیده‌اید؟» ۴ از ایشان چندان پیش نرفته بودم که او را که جانم دوست می‌دارد یافتم. و او را گرفته، رها نکردم تا به خانه مادر خود و به حجره والده خویش در آوردم. ۵ ای دختران اورشلیم، شما

را به غزلهای و آهوهایی صحرا قسم می‌دهم که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار مکنید و برمینگیزانید. ۶ این کیست که مثل ستونهای دود از بیابان برمی‌آید و به مر و بخور و به همه عطریات تاجران معطراست؟ ۷ اینک تخت روان سلیمان است که شصت جبار از جباران اسرائیل به اطراف آن می‌باشند. ۸ همگی ایشان شمشیر گرفته و جنگ آزموده هستند. شمشیر هر یک به سبب خوف شب بر رانش بسته است. ۹ سلیمان پادشاه تخت روانی برای خویشتن از چوب لبنان ساخت. ۱۰ ستونهایش را از نقره و سقفسش را از طلا و کرسی‌اش را از ارغوان ساخت، و وسطش به محبت دختران اورشلیم معرق بود. ۱۱ ای دختران صهیون، بیرون آید و سلیمان پادشاه را ببینید، با تاجی که مادرش در روز عروسی وی و در روز شادی دلش آن را بر سر وی نهاد.

## ۴

## محبوب

۱ اینک تو زیبا هستی ای محبوبه من، اینک تو زیبا هستی و چشمانت از پشت برقع تو مثل چشمان کبوتر است و موهایت مثل گله بزهاست که بر جانب کوه جلعاد خوابیده‌اند. ۲ دندانهایت مثل گله گوسفندان پشم بریده که از شستن برآمده باشند و همگی آنها توام زاییده و در آنها یکی هم نازاد نباشد. ۳ لبهایت مثل رشته قرمز و دهانت جمیل است و شقیقه‌هایت در عقب برقع تو مانند پاره انار است. ۴ گردنت مثل برج داود است که به جهت سلاح خانه بنا شده است و در آن هزار سپر یعنی همه سپرهای شجاعان آویزان است. ۵ دو پستانت مثل دو بچه توام آهو می‌باشد که در میان سوسنها می‌چرند، ۶ تا نسیم روز بوزد و سایه‌ها بگریزد. به کوه مر و به تل کندر خواهیم رفت.

۷ ای محبوبه من، تمامی تو زیبا می‌باشد. در توعیبی نیست. ۸ بیا با من از لبنان ای عروس، با من از لبنان بیا. از قله امانه از قله شنیر و حرمون از مغاره

های شیرها و از کوههای پلنگها بنگر. ۹ ای خواهر و عروس من دلم را به یکی از چشمانت و به یکی از گردن بندهای گردنت ربودی. ۱۰ ای خواهر و عروس من، محبتت چه بسیار لذیذ است. محبتت از شراب چه بسیار نیکوتر است و بوی عطرت از جمع عطرها. ۱۱ ای عروس من، لبهای تو عسل را می چکاند زیر زبان تو عسل و شیر است و بوی لباست مثل بوی لبنان است. ۱۲ خواهر و عروس من، باغی بسته شده است. چشمه مقفل و منبع مختوم است. ۱۳ نهالهای بستان انارها با میوه های نفیسه و بان و سنبل است. ۱۴ سنبل و زعفران و نی و دارچینی با انواع درختان کندر، مر و عود با جمع عطرها نفیسه. ۱۵ چشمه باغها و برکه آب زنده و نهرهایی که از لبنان جاری است.

#### محبوبه

۱۶ ای باد شمال، بر خیز وای باد جنوب، بیا. بر باغ من بوز تا عطرهاش منتشر شود. محبوب من به باغ خود بیاید و میوه نفیسه خود را بخورد.

### ۵

#### محبوب

۱ ای خواهر و عروس من، به باغ خود آمدم. مر خود را با عطرهایم چیدم. شانه عسل خود را با عسل خویش خوردم. شراب خود را باشیر خویش نوشیدم.

#### دختران اورشلیم

ای دوستان بخورید وای یاران بنوشید و به سیری بیاشامید.

#### محبوبه

۲ من در خواب هستم اما دلم بیدار است. آواز محبوب من است که در را می کوبد (و می گوید): «از برای من باز کن ای خواهر من! ای محبوبه من و کبوترم وای کامله من! زیرا که سر من از شبم و زلفهایم از ترشحات شب پر است.» ۳ رخت خود را چگونه آن را بپوشم؟ پایهای خود

راشستم چگونه آنها را چرکین نمایم؟<sup>۴</sup> محبوب من دست خویش را از سوراخ در داخل ساخت واحشایم برای وی به جنبش آمد. <sup>۵</sup> من برخاستم تادر را به جهت محبوب خود باز کنم، و از دستم مرواز انگشتهایم مر صافی بر دسته قفل بچکیده. <sup>۶</sup> به جهت محبوب خود باز کردم اما محبوبم روگردانیده، رفته بوده. چون او سخن می گفت جان از من بدر شده بود. او را جستجو کردم و نیافتم او را خواندم و جوابم نداد. <sup>۷</sup> کشیکچیانی که در شهرگردش می کنند مرا یافتند، زدند و مجروح ساختند. دیده بانهای حصارها برقع مرا از من گرفتند. <sup>۸</sup> ای دختران اورشلیم، شما را قسم می دهم که اگر محبوب مرا بیابید وی را گوید که من مریض عشق هستم.

### دختران اورشلیم

<sup>۹</sup> ای زیباترین زنان، محبوب تو از سایر محبوبان چه برتری دارد و محبوب تو را بر سایر محبوبان چه فضیلت است که ما را چنین قسم می دهی؟

### محبوبه

<sup>۱۰</sup> محبوب من سفید و سرخ فام است، و برهزارها افراشته شده است. <sup>۱۱</sup> سر او طلای خالص است و زلفهایش به هم پیچیده و مانند غراب سیاه فام است. <sup>۱۲</sup> چشمانش کبوتران نزدنهرهای آب است، با شیر شسته شده و در چشمخانه خود نشسته. <sup>۱۳</sup> رخسارهایش مثل باغچه بلسان و پشته های ریاحین می باشد. لبهایش سوسنها است که از آنها مر صافی می چکد. <sup>۱۴</sup> دستهایش حلقه های طلاست که به زبرجد منقش باشد و بر او عاج شفاف است که به یاقوت زرد مرصع بود. <sup>۱۵</sup> ساقهایش ستونهای مرمر بر پایه های زرناب موسس شده، سیمایش مثل لبنان و مانند سروهای آزاد برگزیده است. <sup>۱۶</sup> دهان او بسیار شیرین و تمام او مرغوبترین است. این است محبوب من و این است یار من ای دختران اورشلیم.

## ۶

## دختران اورشلیم

۱ محبوب تو کجا رفته است ای زیباترین زنان؟ محبوب تو کجا توجه نموده است تا او را با تو بطلبیم؟

## محبوبه

۲ محبوب من به باغ خویش و نزد باغچه های بلسان فرود شده است، تا در باغات بچراند و سوسنها بچیند. ۳ من از آن محبوب خود و محبوبم از آن من است. در میان سوسنها گله رامی چراند.

## محبوب

۴ ای محبوبه من، تو مثل ترصه جمیل و مانند اورشلیم زیبا و مثل لشکرهای پیدق دار مهیب هستی. ۵ چشمانت را از من برگردان زیرا آنها بر من غالب شده است. مویهایت مثل گله بزها است که بر جانب کوه جلعاد خوابیده باشند. ۶ دندانهایت مانند گله گوسفندان است که از شستن برآمده باشند. و همگی آنها توام زاییده و در آنها یکی هم نازاد نباشد. ۷ شقیقه هایت در عقب برقع تو مانند پاره انار است. ۸ شصت ملکه و هشتاد متعه و دوشیزگان بیشماره هستند. ۹ اما کبوتر من و کامله من یکی است. او یگانه مادر خویش و مختاره والده خود می باشد. دختران او را دیده، نجسته گفتند. ملکه ها و متعه ها بر او نگر بستند و او را مدح نمودند.

## دختران اورشلیم

۱۰ این کیست که مثل صبح می درخشد؟ و مانند ماه جمیل و مثل آفتاب طاهر و مانند لشکر پیدق دار مهیب است؟

## محبوب

۱۱ به باغ درختان جوز فرود شدم تا سبزیهای وادی را بنگرم و ببینم که آیا مو شکوفه آورده و انار گل کرده است. ۱۲ بی آنکه ملتفت شوم که ناگاه جانم مرا مثل عرابه های عمیناداب ساخت.

## دختران اورشليم

۱۳ برگرد، برگردای شولمیت برگرد، برگرد تا بر تو بنگریم.

## ۷

## محبوب

۱ در شولمیت چه می بینی؟ مثل محفل دولشکر.  
 ۲ ناف تو مثل کاسه مدور است که شراب مزوج در آن کم نباشد.  
 بر تو توده گندم است که سوسنها آن را احاطه کرده باشد. ۳ دو پستان  
 تو مثل دو بچه توام غزال است. ۴ گردن تو مثل برج عاج و چشمانت مثل  
 برکه های حشبون نزد دروازه بیت ریم. بینی تو مثل برج لبنان است که  
 بسوی دمشق مشرف می باشد. ۵ سرت بر تو مثل کرمل و موی سرت  
 مانند ارغوان است. و پادشاه در طره هایش اسیر می باشد. ۶ ای محبوبه،  
 چه بسیار زیبا و چه بسیار شیرین به سبب لذتهاستی. ۷ این قامت تو مانند  
 درخت خرما و پستانهایت مثل خوشه های انگور می باشد. ۸ گفتم که  
 به درخت خرما برآمده، شاخه هایش را خواهم گرفت. و پستانهایت مثل  
 خوشه های انگور و بوی نفس تو مثل سیبها باشد. ۹ و دهان تو مانند شراب  
 بهترین برای محبوم که به ملایمت فرورود و لبهای خفتگان را متکلم سازد.

## محبوبه

۱۰ من از آن محبوب خود هستم و اشتیاق وی بر من است. ۱۱ بیای  
 محبوب من به صحرا بیرون برویم، و در دهات ساکن شویم. ۱۲ و صبح زود  
 به تاکستانها برویم و ببینیم که آیا انگور گل کرده و گلگهایش گشوده و انارها  
 گل داده باشد. در آنجا محبت خود را به تو خواهم داد. ۱۳ مهر گیاهابوی  
 خود را می دهد و نزد درهای ما هر قسم میوه نفیس تازه و کهنه هست که  
 آنها را برای توای محبوب من جمع کرده ام.



## ۸

۱ کاش که مثل برادر من که پستانهای مادر مرا میکید می بودی، تا چون تو را بیرون می یافتم تو را می بوسیدم و مرا رسوائی ساختند. ۲ تو را رهبری می کردم و به خانه مادرم در می آوردم تا مرا تعلیم می دادی تا شراب ممزوج و عصیر انار خود را به تو می نوشانیدم. ۳ دست چپ او زیر سر من می بود و دست راستش مرا در آغوش می کشید. ۴ ای دختران اورشلیم شما را قسم می دهم که محبوب مرا تا خودش نخواهد بیدار نکنید و برینگیزانید.

## دختران اورشلیم

۵ این کیست که بر محبوب خود تکیه کرده، از صحرا برمی آید؟

## محبوبه

۶ مرا مثل خاتم بردلت و مثل نگین بر بازویت بگذار، زیرا که محبت مثل موت زورآور است و غیرت مثل هاویه ستم کیش می باشد. شعله هایش شعله های آتش و لهیب یهوه است. ۷ آبهای بسیار محبت را خاموش نتواند کرد و سیلها آن را نتواند فرو نشانید. اگر کسی تمامی اموال خانه خویش را برای محبت بدهد آن را البته خوار خواهند شمرد.

## دختران اورشلیم

۸ ما را خواهری کوچک است که پستان ندارد. به جهت خواهر خود در روزی که او را خواستگاری کنند چه بکنیم؟ ۹ اگر دیوار می بود، بر او برج نقره ای بنا می کردیم. و اگر دروازه می بود، او را به تخته های سرو آزادی پوشانیدیم.

## محبوبه

۱۰ من دیوار هستم و پستانهایم مثل برجهاست. لهذا در نظر او از جمله یابندگان سلامتی شده ام. ۱۱ سلیمان تا کستانی در بعل هامون داشت و تا کستان را به ناطوران سپرد، که هر کس برای میوه اش هزار نقره بدهد.

۱۲ تا کستانم که از آن من است پیش روی من می باشد. برای تو ای سلیمان  
هزار و برای ناطوران میوه اش، دو یست خواهد بود.

محبوب

۱۳ ای (محبوبه) که در باغات می نشینی، رفیقان آواز تو را می شنوند،  
مرا نیز بشنوان.

محبوبه

۱۴ ای محبوب من، فرار کن و مثل غزال یا بچه آهو بر کوههای عطریات  
باش.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the  
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

---

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 21 Feb 2024 from source files  
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f